

بررسی تأثیر راهبرد تبدیل روستا به شهر بر سبک زندگی افراد در روستاهای نشیفان، سلامی و جنگل در استان خراسان رضوی

علی اصغر مهاجرانی^۱، منصور حقیقتیان^۱ و مهدی یوسف نیا^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۲۳ بهمن ۱۳۹۴

چکیده

تحت تأثیر تبدیل روستا به شهر، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی گوناگونی سبک زندگی افراد ساکن در نواحی روستایی را دچار تغییر و دگرگونی می‌کنند. سبک زندگی در نحوه گذران اوقات فراغت، پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل جلوه‌گر می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر راهبرد تبدیل روستا به شهر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر در شهرستان‌های خواف و رُشتخوار در استان خراسان رضوی انجام شده است. طبق اطلاعات موجود در فاصله سال‌های ۸۳-۱۳۸۱ سه نقطه روستایی به نام‌های نشیفان، سلامی و جنگل در شهرستان‌های مورد مطالعه به شهر تبدیل شده‌اند. این تحقیق در سال ۱۳۹۴ با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای بین ۳۳۷ نفر از ساکنان این روستاها انجام شده است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. نتایج مطالعه نشان داد بیشترین تغییر سبک زندگی در شهرهای نشیفان و سلامی متأثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل ناشی از عوامل اقتصادی بوده‌اند. همچنین طبق آزمون فرضیه تحقیق، بین مشارکت اجتماعی، سازمان‌های سیاسی و اداری، شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیه فردگرایی، هویت طبقاتی و روابط غیرمستقیم و ثانویه به‌عنوان عوامل اجتماعی، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای و سرمایه فرهنگی به‌عنوان عوامل فرهنگی، مصرف‌گرایی و همچنین ایجاد مراکز خرید، تمایل به منافع سوداگرانه، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک و سطح رفاه اقتصادی به‌عنوان عوامل اقتصادی و سبک زندگی افراد ارتباط معناداری وجود دارد. پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه روستاهای تبدیل شده به شهر هنوز در مرحله گذار به سمت سبک زندگی مدرن هستند، بنابراین می‌بایست معایب و آثار زیان‌بار این سبک زندگی در حوزه‌های فردی و اجتماعی، به نحو صحیح و اثربخش اطلاع‌رسانی گردد.

واژه‌های کلیدی: توسعه روستایی، شهرهای کوچک، مشارکت اجتماعی، مصرف‌گرایی.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان

۲- دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان

*- نویسنده مسؤل: myousefnia2004@yahoo.com

مقدمه

امروزه شهرنشینی به شکل غالب و قطعی زندگی انسان‌ها بدل شده است. بیش از نیمی از جمعیت ۷ میلیاردی جهان ساکن شهرها هستند و این میزان در برخی کشورها بسیار بیشتر بوده و گاه به ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت می‌رسد. شهرنشینی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی اجتماعی امروز در سطح دنیاست. این پدیده در گذشته هم وجود داشته است؛ ولی مسلماً از جهت تعداد و نسبت جمعیت شهری قابل قیاس با امروز نیست. در واقع رشد شهرنشینی در سطح جهان در قرن بیستم و به‌ویژه از نیمه دوم آن شروع شده و از این جهت یک پدیده جدید به شمار می‌رود. این پدیده جهانی است و تقریباً تمام کشورها آن را تجربه کرده یا می‌کنند. این فرآیند جهانی، توزیع فضایی ساکنین کره‌خاکی را در تمام قسمت‌های جهان شکل داده و هنوز هم در حال شکل دادن است. فرایندی که به نظر برگشت‌ناپذیر می‌نماید (پوماین^۱، ۲۰۰۶). در حقیقت، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های جمعیت‌شناختی نو که انتظار می‌رود حتی در آینده تحول بیشتری ایجاد کند، رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه است (تودارو^۲، ۲۰۰۵). همچنین در کشورهای در حال توسعه نسبت جمعیت روستایی و شهری از کل جمعیت به ترتیب از ۸۲/۵ و ۱۷/۵ درصد در سال ۱۹۵۰ به ۶۳ و ۳۷ درصد در سال ۲۰۱۰ تغییر پیدا کرده است (اچ دی آی^۳، ۲۰۱۲). تغییر در قانون تقسیمات کشوری در دهه‌های اخیر، الگوی نظام سکونتگاهی در ایران را به شدت تغییر داده است (رضوانی و همکاران^۴، ۲۰۰۹). برای پیشاهنگان جامعه‌شناسی، پرسش اساسی عبارت بود از اینکه بر سر سازوکارهای انسجام دهنده‌ای که نظم اجتماعی روستایی را بر پا نگه می‌داشته‌اند، چه خواهد آمد؟ به‌طور خلاصه سؤال پیرامون این مهم مطرح شده است که در دنیای شهری جدید «روستا» چه خواهد شد و تأثیرات شهرنشینی بر همبستگی سازمان اجتماعی اشکال حیات اجتماعی پیشین چگونه خواهد بود؟ بعد از تبدیل یک روستا به مرکز شهری آن منطقه با پدیده شهرنشینی روبرو شده که عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص خود را نیز به دنبال دارد. مجموع این عوامل نیز بر سبک زندگی ساکنان این نواحی تأثیرگذار بوده و در نهایت سبک جدیدی از زندگی (شامل نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، لباس و پوشاک، تغذیه، مدیریت بدن (نظافت و اصلاح سر و صورت)، سبک معماری و چیدمان داخلی منازل) را پدید می‌آورند. هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل‌شده به شهر است. در نظر گرفتن سبک زندگی در روستاهای تبدیل‌شده به شهر به مثابه زمینه انجام این تحقیق به‌منظور مطالعه روستاهای تازه تبدیل‌شده به شهر انجام‌شده است. مراکزی که همچون نهالی نوپا بوده و با مطالعه تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها می‌توان بسیاری از معضلات و آسیب‌هایی را که در آینده گریبان این مکان‌ها را خواهند گرفت، شناسایی نمود. پاره‌ای از مطالعات جهانی در خصوص این‌گونه شهرها انجام‌گرفته است. به‌عنوان مثال، دمپسی^۵ (۱۹۹۰) در تحقیقی که در شهر اسمال تاون^۶ استرالیا انجام داد به این نتیجه رسید که مردم این شهر احساس تعلق و وابستگی شدیدی به محل زندگی خود داشتند و از انسجام اجتماعی زیادی برخوردار بودند. بالا بودن سطح

1 - Pomain

2 - Todaro

3 - United Nation Development Program

4 - Rezvani et al

5 - Dempsey

6 - Smal Town

مشارکت اجتماعی در این منطقه شهری به وضوح مشاهده گردیده است. نتایج تحقیق ویلسون^۱ (۱۹۹۳) نشان داد که هر چند شهری شدن باعث کاهش ملاقات‌های چهره به چهره با اقوام می‌شود، ولی این تأثیرات اندک است. یافته‌های تحقیق وی^۲ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که پاسخگویان تمایل به شناسایی فناوری‌های ارتباطی بی‌سیم^۳ و تلفن همراه به‌عنوان ملاک غربی شدن و سبک‌زندگی اجتماعی فعال دارند. چادنوپادی^۴ به فقدان زیرساخت و خدمات اساسی در این‌گونه شهرها در هند و نقش آن در دست یافتن به توسعه پایدار اشاره دارد (اوماجا^۵، ۱۹۸۷). در داخل کشور نیز نتایج تحقیق ایزدی خرامه (۱۳۸۰) نشان داده که تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی به‌ویژه در بخش خدمات اداری و تجاری، و نیز در بهبود کارکردهای خدماتی شهرهای ایجاد شده و حوزه نفوذ آن‌ها مؤثرند. توانا و امیرانتخابی (۱۳۸۶) در تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که تبدیل روستاها به شهر نه تنها تحولات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مهمی را ایجاد می‌کند، بلکه حوزه نفوذ روستاهای تبدیل شده به شهر را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیف‌اللهی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که تبدیل روستای اژیبه به شهر در تغییر کاربری اراضی و کاهش اراضی کشاورزی چندان مؤثر نبوده و تنها با افزایش انگیزه ماندن در محل و جذب جمعیت جوان به بخش کشاورزی، از میانگین سن نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی شهر اژیبه و روستاهای مجاور آن تا حدودی کاسته است. نتایج حاصل از پژوهش صادقی (۱۳۹۲) نشان داد که فرآیند تبدیل روستا به شهر در مناطق مورد مطالعه دارای پیامدهایی مثبت رضایتمندی از تبدیل روستا به شهر و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و بعضی از پیامدهای منفی کاهش انسجام اجتماعی مردم، تغییر کاربری اراضی و تخریب آن‌ها بوده است. ارزیابی تحقیقات صورت گرفته در این حوزه (تبدیل روستا به شهر و تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن) نشان داد که اکثر تحقیقات انجام گرفته به بررسی تأثیرات محیطی و کالبدی و تحقیقات اندکی نیز به مطالعه اثرات اقتصادی و اجتماعی این فرآیند در مناطق مورد مطالعه پرداخته‌اند. تحقیقات انجام شده پیرامون سبک زندگی نیز تأثیر برخی عوامل اجتماعی یا فرهنگی را بر سبک زندگی مورد توجه قرار داده و یا صرفاً تأثیر آگهی‌های تجاری را مدنظر داشته‌اند. در این تحقیقات سبک زندگی مصرفی بیشتر مورد تأکید بوده است. در پژوهش حاضر سبک زندگی در بستر شهرنشینی مورد ارزیابی قرار گرفته و تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، امری که در تحقیقات پیشین توجه چندانی به آن نشده است.

نیکلاس اسپایکمن^۶ معتقد است که در شهر، به لحاظ اجتماعی تعداد زیاد گروه‌های ثانوی، اتحادیه‌ها و تماس‌های زودگذر بر تعداد کم، گروه‌های اولیه، اجتماعات و روابط دائمی غلبه دارد. در همین الگو آزادی، فردیت، عقل‌گرایی، رسمیت، عمومیت و خودنمایی بر محدودیت، همنوایی با جمع، احساسات، صمیمیت و تواضع غلبه دارد (صدیق

1 - Wilson

2 - Wei

3 - Wireless Communication Technologies

4 - Chadnvpadyai

5 - Omaja

6 - spickman

سروستانی، ۱۳۶۹). به نظر رابرت پارک^۱ رشد شهرها با جایگزینی روابط غیرمستقیم و ثانوی به جای روابط رو در رو و اولیه در همکاری‌های افراد در جامعه همراه است. در شهر کنترل اجتماعی، که قبلاً بر اساس ارزش‌های اخلاقی بود، با کنترل بر اساس قانون مثبت، جایگزین روابط اولیه شده است (پارک^۲، ۱۹۶۹). کلود فیشر^۳ ادعا می‌کند درحالی‌که بیشتر تفاوت‌های موجود در بین افراد در شهر به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده، سهم ویژه رفتار در بین افراد بر اساس محل سکونتشان متفاوت است. یعنی به دلیل اندازه جمعیت شهر، ساکنان شهر بزرگ فرصت دارند، به شیوه‌هایی عمل کنند که ساکنان روستا معمولاً آن را به‌سختی می‌یابند. بر اساس دیدگاه خرده‌فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان شهر برای برقراری رابطه با افراد متنوع‌تر، از کسانی که در مکان‌های با جمعیت کمتری زندگی می‌کنند فرصت بیشتری دارند. این روابط یا شبکه‌ها است که تفاوت در سبک زندگی مشاهده‌شده بین ساکنان شهر و ساکنان روستا را تداوم می‌بخشد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹).

ابن خلدون معتقد است انسان ساخته و محصول محیط و نوع زندگی‌اش است. بدین سبب هنگامی که انسان، شهرنشین شده و در شهرها ساکن گردید، شهر او را وادار می‌سازد تا از آن تبعیت نموده و صفات خود نظیر تجمل، تکلف، اسراف، خوش‌گذرانی و سرگرمی را بر او تحمیل می‌کند (علیمردانی، ۱۳۸۵). از نظر تونیس، جامعه گونه‌ای از زندگی در مراکز شهری است که معمولاً با خصوصیات شهرنشینی همراه است. این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که مردم جامعه شهری غیر از عده معدودی که در زندگی روزانه خود با آن‌ها برخورد می‌کنند و ارتباط دارند سایر شهروندان و شهرنشینان را نمی‌شناسند. در واقع بر عکس اجتماع روستایی که تمام افراد یکدیگر را می‌شناسند (قنادان، ۱۳۷۵). در مجموع، می‌توان گفت که بنا به نظریه تونیس در سبک زندگی شهری، روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی و عقلانیت است. این روابط سطحی و خالی از عاطفه، صمیمیت و کنش‌های متقابل اجتماعی است و کنترل اجتماعی افراد با کمک نهادهای رسمی صورت می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۳). به نظر زیمل، انسان‌های شهری وقت‌شناس و حسابگر، بی‌تفاوت (دلزده) در برابر محرک‌های بی‌شمار محیط شهری، دارای گرایش ذهنی مبتنی بر رفتاری احتیاط آمیز، تودار و خوشتن‌دار، بی‌خبر از همسایه‌ها و سرد و خشک هستند. توداری، همراه با احساس تنفر مخفی، ویژگی عام شهری تلقی می‌شود، که در عین حال این ویژگی میزانی آزادی شخصی به افراد می‌بخشد که در هیچ محیط دیگری مشاهده نمی‌شود (زیمل، ۱۳۷۲). دانیل لرنر^۴ بین شهرنشینی، سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیکی یافت (اسدی و مهرداد، ۱۳۵۶). ورث معتقد است که خاصیت جزئی و سود جویانه روابط بین افراد در شهر، در سطح نهادها و در آشکارترین صورت خود در تخصصی شدن کارها و حرفه‌های مختلف تجلی می‌نماید. گسترش روابط مالی و پولی به روابط غارتگرانه می‌انجامد. کارکرد اجتماعی را دچار وقفه می‌سازد. همچنین زندگی جمعی و فشرده و کارکردن افرادی که احساسات و عواطف خاصی نسبت به هم ندارند در کنار یکدیگر، رقابت‌جویی، جاه‌طلبی و بهره‌کشی متقابل را رواج می‌دهد. برای جلوگیری از بی‌مسئولیت‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی، نوعی کنترل صوری ضروری می‌گردد (توسلی، ۱۳۸۴).

1 - Park
2 - Park
3 - fischer
4 - Daniel Lerner

به منظور استفاده از نظریات ارائه شده، اثرات مورد نظر هر یک از نظریه پردازان مورد نظر، در قالب سه متغیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دسته بندی شده که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. متغیرهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تحقیق و شاخص های مورد نظر بر اساس نظریات مختلف بیان شده

متغیرها	شاخص ها	نظریه پرداز/نظریه پردازان بیان کننده
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	ماکس وبر، دانیل لرنر و لوئیس ورت
	سازمان های سیاسی و اداری	ابن خلدون، وبر، ورت و اسپایکمن
	شبکه راهها و وسایل ارتباطی	پارک، اسملسر و لرنر
عوامل فرهنگی	روحیه فردگرایی	ابن خلدون، تونیس، دورکیم، وبر و لرنر
	هویت طبقاتی	ابن خلدون، دورکیم
	روابط غیرمستقیم و ثانویه	تونیس، زیمل، پارک، ورت و فیشر
عوامل اقتصادی	امکانات فرهنگی و آموزشی	لرنر و بوردیو
	مصرف رسانه ای	لرنر و بوردیو
	سرمایه فرهنگی	لرنر و بوردیو
	گرایش های دینی	ابن خلدون
	شیوه معیشت	ابن خلدون، زیمل، وبر و اسملسر
	مصرف گرایی	زیمل
	بازار و مراکز خرید	وبر
	منافع شخصی و سودگرانه	ابن خلدون، زیمل، پارک و ورت
	حمایت های مشترک	ابن خلدون
	سطح رفاه اقتصادی افراد	ابن خلدون و لرنر

مأخذ: یافته های تحقیق

در دهه های اخیر موضوع سبک زندگی مورد توجه جامعه شناسان زیادی قرار گرفته است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). ابن خلدون با طرح دو سنخ بادیه نشین و شهرنشین به بررسی تأثیر سبک زندگی بر نظام ارزشی افراد و جامعه می پردازد. وی در صدد بود دریابد علت چنین اختلافی چیست؟ وی دو سنخ اجتماعی بادیه نشین و شهرنشین را بر اساس روش معیشت و شیوه های زندگی یا همان سبک زندگی مطرح می سازد و به طور کلی علت اصلی اختلاف این دو سنخ را محیط جغرافیایی و شیوه معیشت می داند. باید دانست که تفاوت عادات و رسوم و شیوه زندگی ملت ها در نتیجه اختلافی است که در شیوه معاش (اقتصاد) خود پیش می گیرند (ابن خلدون، ۱۳۷۳). دیدگاه های زیمل در ارتباط با مصرف بر اساس مفهوم شهر و پیامدهای شهرنشینی تدوین شده اند. از دید و بر مدهای گوناگون از درون سبک های مختلف زندگی ناشی شده و به وسیله آن ها پذیرفته یا رد می شوند. هر سبک زندگی آدابی خاص دارد که این آداب شامل مذهب نیز می شود «آداب، زمانی مذهب نامیده می شوند که تازه بودن رفتار مربوطه مبنای جهت گیری کنش باشد» (وبر، ۱۳۷۴). در نظریه بوردیو^۱ سبک زندگی که شامل اعمال طبقه بندی شده و طبقه بندی کننده فرد در عرصه های چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است (باکاک، ۱۳۸۱). به نظر بوردیو با تغییر زمینه، ذوق در جهت همگامی با آن حرکت می کند که همگامی بین ذوق و زمینه در عملکرد بازتاب می یابد. با تغییر در زمینه، ذوق

(ساختارهای ذهنی) روستاییان در هم‌نوایی با تغییرات در زمینه، حرکت کرده است. در نتیجه، تغییراتی در ذوق (ساختارهای ذهنی) روستاییان به وجود آمده است که بازتاب آن را می‌توان در عملکرد روستاییان (تغییر در سبک زندگی: تغییر در شیوه پوشاکی، تغییر در شیوه بهداشتی، تغییر عادات غذایی، تغییر در شیوه گفتاری، تغییر در الگوی گذران اوقات فراغت) مشاهده کرد (توکل، ۱۳۸۵). بر اساس نظریه بوردیو روستاها و شهرها با یکدیگر از لحاظ سبک زندگی تفاوت‌هایی دارند (بوردیو، ۱۹۸۴). از نظر گیدنز سبک زندگی به‌صورت عملکردهای روزمره در می‌آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار، و محیط مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند. هر یک از تصمیم‌گیری‌هایی که یک شخص در زندگی روزانه می‌کند (چه بیوشم، چه بخورم، در کار چگونه کار کنم، پس از پایان کار با چه کسی ملاقات کنم) در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند (گیدنز، ۱۳۸۴). از نظر چنی تحلیل‌گران نه-تنها باید زمینه‌های تغییر رژیم غذایی، عادات اوقات فراغت یا چشم‌داشت‌های مربوط به نقش‌های وابسته به جنس را بدانند، بلکه نیازمند دانستن معنای فرهنگی انواع گوناگون تغییر نیز هستند. سبک‌های زندگی هم، صورت‌هایی از هویت جمعی هستند، که در طول زمان تحول می‌یابند (چنی^۱، ۱۹۹۶). به‌منظور استفاده از نظریات ارائه شده، شاخص‌های مورد نظر هر یک از نظریه‌پردازان مورد مطالعه جهت سنجش سبک زندگی، در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌ها و عناصر تشکیل دهنده سبک زندگی به تفکیک نظریه‌پردازان مورد مطالعه

متغیر	شاخص‌ها	نظریه پرداز/نظریه پردازان بیان کننده شاخص
سبک زندگی	الگوهای گذران اوقات فراغت	بوردیو و چنی
	مدگرایی (لباس)	زیمل، وبلن، وبر، بوردیو و گیدنز
	نوع تغذیه	بوردیو، گیدنز و چنی
مدیریت بدن (نظافت بدن و آرایش سر و صورت)	سبک معماری و چیدمان داخلی منازل	بوردیو
	زبان و لهجه صحبت کردن	بوردیو
		بوردیو

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فرضیه‌های پژوهش حاضر در دو بخش کلی و فرعی بیان شده است. فرضیه‌های کلی و نیز فرضیه‌های فرعی هر یک از آن‌ها عبارت‌اند از:

به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیر دارند.

به نظر می‌رسد مشارکت اجتماعی، ایجاد سازمان‌های سیاسی و اداری، شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیه فردگرایی، هویت طبقاتی و روابط غیرمستقیم و ثانویه به‌عنوان عوامل اجتماعی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیر دارند.

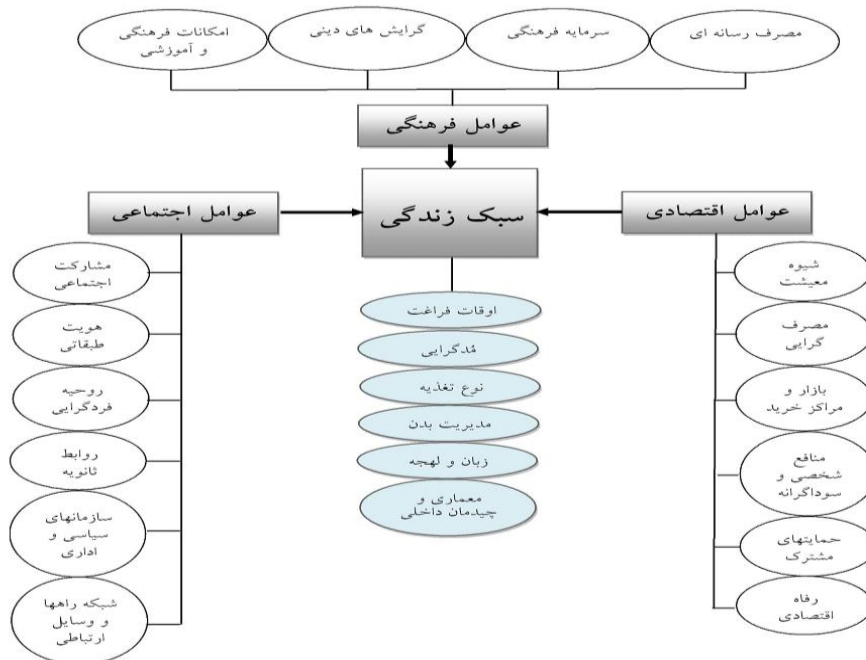
به نظر می‌رسد عوامل فرهنگی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیر دارند.

به نظر می‌رسد امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه فرهنگی و گرایش‌های دینی به‌عنوان عوامل فرهنگی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیر دارند.

به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیر دارند.

به نظر می‌رسد شیوه معیشت، مصرف‌گرایی، ایجاد بازار و مراکز خرید، منافع شخصی و سوداگرانه، کم‌رنگ‌شدن حمایت‌های مشترک و سطح رفاه اقتصادی افراد به‌عنوان عوامل اقتصادی بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیر دارند.

بر مبنای شاخص‌های احصاء شده از نظریات مختلف مطروحه، می‌توان مدل مفهومی شکل ۱ را برای تحقیق حاضر ترسیم نمود.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. در این پژوهش از روش‌های اسنادی و پیمایشی بهره‌برداری و از پرسشنامه محقق ساخته جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری عبارت است از مراکزی که در فاصله زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳ هجری شمسی در شهرستان‌های خواف و رشتخوار واقع در استان خراسان رضوی از مناطق

روستایی به شهر تبدیل شده‌اند. علت در نظر گرفتن این بازه زمانی به‌عنوان جامعه آماری، این بوده که حداقل ۱۰ سال از تبدیل این روستاها به شهر گذشته باشد تا عوارض و اثرات این مسئله بر سبک زندگی ساکنان به‌خوبی مشخص شده و خود را نشان داده باشند. طبق اطلاعات موجود در بازه زمانی ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳ هجری شمسی، در شهرستان‌های مورد مطالعه تعداد ۳ مرکز روستایی به اسامی نشتیفان و سلامی (در شهرستان خواف) و جنگل (در شهرستان رُشتخوار) به مناطق شهری تبدیل شده‌اند که در این تحقیق سه شهر جدید مذکور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. طبق اطلاعات منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سرشماری سال ۱۳۹۰ سه شهر جامعه آماری این تحقیق در مجموع جمعیتی برابر با ۲۰۴۹۷ نفر داشته‌اند. با نگرش به جامعه آماری، حجم نمونه این تحقیق بر اساس نتایج به‌دست آمده از فرمول نمونه‌گیری کوکران برابر با ۳۳۷ نفر بدست آمده و سپس به شیوه سهمیه‌ای (اختصاص متناسب)، بین شهرهای جامعه آماری تقسیم شده است.

با توجه به جامعه آماری مورد مطالعه و با در نظر گرفتن درجه دقت و صحت جامعه نمونه و خطای نمونه‌گیری، در مرحله اول، حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول نمونه‌گیری رایج در علوم اجتماعی یعنی فرمول کوکران در معادله ۲ محاسبه (رفیع پور، ۱۳۸۰) و سپس مطابق فرمول ۳ به شیوه سهمیه‌ای (اختصاص متناسب)، در میان شهرها جامعه آماری تقسیم شده است.

$$(۱) \text{ فرمول نمونه‌گیری کوکران}$$

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در فرمول ۱، n جامعه نمونه، N جامعه آماری، t درصد احتمال صحت گفتار و سطح احتمالی، d درجه اطمینان، p وجود صفت در جامعه آماری، q عدم وجود صفت در جامعه آماری.

نحوه محاسبه حجم نمونه مورد انتخاب از هر شهر مورد مطالعه به‌صورت زیر می‌باشد.

$$nh = \frac{n Nh}{N} \quad (۲)$$

نتایج و بحث

کل نمونه آماری تحقیق بر اساس فرمول کوکران، ۳۳۷ نفر به دست آمده است که در زیر ارائه شده است، بنابراین در مرحله دوم، حجم نمونه به شیوه اختصاص متناسب، در میان شهرهای جامعه آماری تقسیم شد. تعداد نمونه مورد انتخاب از هر شهر مورد مطالعه با استفاده از فرمول ۲ (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰) محاسبه گردید.

$$n = \frac{\frac{2^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{20497} \left(\frac{2^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{4 \times 0.25}{0.0025}}{1 + \frac{1}{20497} \left(\frac{4 \times 0.25}{0.0025} - 1 \right)} = \frac{342}{1.017} \sim 337 \quad \text{تعداد} \quad (3)$$

نحوه محاسبه حجم نمونه مورد انتخاب از هر شهر مورد مطالعه به صورت زیر می باشد.

$$nh = \frac{337(7426)}{20497} : 122 \quad (4)$$

که شیوه اختصاص متناسب؛ nh (تعداد نمونه مورد انتخاب از طبقه n ام)، n: 337 (حجم گروه نمونه)، تعداد جمعیت هر شهر جامعه آماری Nh: (تعداد افراد جامعه در طبقه n ام)، N: 20497 (تعداد کل افراد جامعه آماری)

جدول ۳. تعداد جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق به شیوه اختصاص متناسب

جامعه نمونه آماری	تعداد جمعیت (نفر)	تعداد نمونه (نفر)
شهر نشتیفان	۷۴۲۶	۱۲۲
شهر سلامی	۶۵۸۱	۱۰۸
شهر جنگل	۶۴۹۰	۱۰۷
جمع	۲۰۴۹۷	۳۳۷

منبع: بررسی‌های کتابخانه‌ای محققین (۱۳۹۳)

از مجموع افراد مورد مطالعه ۶۵/۶ درصد مرد و ۳۴/۴ درصد نیز زن بوده‌اند. همچنین ۴۳/۳ درصد در محدوده سنی ۱۹ تا ۲۹ سال، ۲۷/۷ درصد در محدوده سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۷/۳ درصد در محدوده سنی ۴۰ تا ۴۹ سال، ۹/۲ درصد در محدوده سنی ۵۰ تا ۵۹ سال و ۲/۵ درصد نیز در محدوده سنی ۶۰ سال به بالا بوده‌اند. ۷۴/۶ درصد متأهل و ۲۵/۴ درصد نیز مجرد بوده‌اند. همچنین ۲۸ درصد دارای شغل آزاد، ۱۹/۶ درصد خانه‌دار، ۱۹/۳ درصد کشاورز و ۱۶/۵ درصد دانشجو، ۴/۸ درصد کارمند، ۴/۳ درصد دامدار، ۲/۳ درصد باغدار، ۲/۳ درصد بیکار، ۲ درصد معلم و ۰/۹ درصد نیز راننده بوده‌اند. از مجموع افراد مورد مطالعه ۰/۳ درصد بی‌سواد، ۲۹/۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۹/۹ درصد سیکل، ۷/۹ درصد دیپلم ناقص، ۲۰/۴ درصد دیپلم، ۵/۹ درصد کاردانی، ۱۳/۷ درصد کارشناسی، ۰/۶ دکترا و ۰/۳ نیز حوزوی بوده‌اند. آزمون همبستگی پیرسون بین فرضیه‌های تحقیق (جدول ۴) نشان می‌دهد که ارتباط معنادار بین اکثر فرضیه‌های فرعی مورد بررسی به جز دو فرضیه گرایش‌های دینی و تغییر شیوه معیشت با سبک زندگی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شده است؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که شاخص‌هایی مانند مشارکت اجتماعی، سازمان‌های سیاسی و اداری، شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیه فردگرایی، هویت طبقاتی، روابط غیر مستقیم و ثانویه، امکانات فرهنگی و آموزشی، مصرف رسانه‌ای، سرمایه فرهنگی، مصرف‌گرایی، ایجاد بازار و مراکز خرید، تمایل به منافع سوداگرانه، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک، سطح رفاه اقتصادی افراد بر تغییراتی سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر تأثیرگذار می‌باشند. همچنین جهت رابطه کلیه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مستقیم می‌باشد بررسی شدت رابطه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته نیز نشان داد که بین دو متغیر مصرف رسانه‌ای و مصرف‌گرایی و سبک زندگی رابطه قوی وجود دارد، همچنین بین متغیرهای مشارکت اجتماعی، سازمان‌های سیاسی

و اداری، شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی، روحیه فردگرایی، روابط غیر مستقیم و ثانویه، امکانات فرهنگی و آموزشی، سرمایه فرهنگی، ایجاد بازار و مراکز خرید، کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک و سطح رفاه اقتصادی افراد و سبک زندگی رابطه متوسط و بین متغیرهای هویت طبقاتی، گرایش‌های دینی، تغییر شیوه معیشت و تمایل به منافع سوداگرانه نیز رابطه ضعیفی وجود دارد.

جدول ۴. مقایسه آزمون همبستگی پیرسون فرضیه‌های تحقیق

عوامل	فرضیه‌های فرعی	سبک زندگی	
		مقدار	سطح معناداری
عوامل اجتماعی	مشارکت اجتماعی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰
	سازمان‌های سیاسی و اداری	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰
	شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی	۰/۲۹۷	۰/۰۰۰
	روحیه فردگرایی	۰/۳۶۷	۰/۰۰۰
	هویت طبقاتی	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰
	روابط غیر مستقیم و ثانویه	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰
عوامل فرهنگی	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰/۳۲۶	۰/۰۰۰
	مصرف رسانه‌ای	۰/۴۶۳	۰/۰۰۰
	گرایش‌های دینی	۰/۰۸۱	۰/۱۳۹
	سرمایه فرهنگی	۰/۲۷۹	۰/۰۰۰
	تغییر شیوه معیشت	۰/۱۰۰	۰/۰۶۷
	مصرف‌گرایی	۰/۴۵۴	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی	ایجاد بازار و مراکز خرید	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰
	تمایل به منافع سوداگرانه	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰
	کم‌رنگ شدن حمایت‌های مشترک	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰
	سطح رفاه اقتصادی افراد	۰/۳۵۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای مقایسه میانگین متغیرهای مستقل و وابسته بین شهرهای مورد مطالعه از آزمون F استفاده شده است.

جدول ۵. آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۳۱۸/۰۷۷	۲	۱۵۹/۰۳۹	۰/۷۶۶	۰/۴۶۶
سبک زندگی	۶۹۳۸۴/۹۲۱	۳۳۴	۲۰۷/۷۳۹		
مجموع	۶۹۷۰۲/۹۹۸	۳۳۶			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج تفاوت میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه در جدول ۵ ارائه شده است. طبق این جدول، سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۴۶۶ بوده که از ۰/۰۵ بیشتر است، در نتیجه دلیلی بر رد فرض صفر وجود

ندارد و بنابراین فرض ادعا تأیید نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر سبک زندگی در شهرهای مورد مطالعه وجود ندارد.

جدول ۶. آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری
بین گروهی	۲۰۷۲/۶۴۳	۲	۱۰۳۶/۳۲۱	۴/۹۵۵	۰/۰۰۸
درون گروهی	۶۹۸۵۳/۹۶۴	۳۳۴	۲۰۹/۱۴۴		
مجموع	۷۱۹۲۶/۶۰۷	۳۳۶			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۶ نتیجه آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. طبق جدول سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۸ بوده که از ۰/۰۵ کمتر است، در نتیجه دلیلی بر رد فرض ادعا وجود ندارد و بنابراین فرض نقیض ادعا تأیید نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۷. پس آزمون وجود تفاوت معنادار متغیر عوامل فرهنگی بین شهرهای مورد مطالعه

آزمون	شهر محل سکونت	شهر مورد مقایسه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله معناداری	
						حد پایین	حد بالا
آزمون توکی	نشتیفان	سلامی	۶/۰۱	۱/۹۱	۰/۰۰۵	۱/۵۲	۱۰/۵۲
	سلامی	جنگل	۲/۸۱	۱/۹۲	۰/۳۰۸	-۱/۷۰	۷/۳۲
		نشتیفان	-۶/۰۱	۱/۹۱	۰/۰۰۵	-۱۰/۵۱	-۱/۵۲
	جنگل	جنگل	-۳/۲۰	۱/۹۷	۰/۲۳۷	-۷/۸۴	۱/۴۴
		نشتیفان	-۲/۸۱	۱/۹۲	۰/۳۰۸	-۷/۳۲	۱/۷۰
		سلامی	۳/۲۰	۱/۹۸	۰/۲۳۷	-۱/۴۴	۷/۸۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۷ پس‌آزمون مشاهده می‌شود، طبق آزمون توکی تفاوت معناداری بین میانگین عوامل فرهنگی در شهرهای نشتیفان و سلامی وجود دارد؛ ولی بین میانگین این عوامل در شهرهای نشتیفان و جنگل و همچنین سلامی و جنگل تفاوت وجود ندارد.

با توجه به جدول ۸ می‌توان گفت که میانگین عوامل فرهنگی در شهرهای سلامی و جنگل همگن بوده و در یک دسته قرار می‌گیرند، همچنین میانگین این عوامل در شهرهای جنگل و نشتیفان نیز در یک دسته دیگر قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر میانگین عوامل فرهنگی بین شهرهای سلامی و جنگل و همچنین جنگل و نشتیفان تفاوت معناداری نداشته ولی بین شهرهای سلامی و نشتیفان تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

جدول ۸. میانگین متغیر عوامل فرهنگی در شهرهای مورد مطالعه

آزمون	شهر محل سکونت	تعداد	تعداد گروه‌های همگن	
			۱	۲
آزمون توکی	سلامی	۱۰۸	۵۲/۸۰	
	جنگل	۱۰۷	۵۶	۵۶
سطح معناداری	نشتیفان	۱۲۲	۵۸/۸۱	
			۰/۲۲۳	۰/۳۱۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۹. آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه

عامل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	مقدار F	سطح معناداری	
					بین گروهی	درون گروهی
عوامل اقتصادی	۲۳۰۸/۸۴۵	۲	۱۱۵۴/۴۲۲	۸/۲۹۹	۰/۰۰۰	
	۴۶۴۵۸/۷۳۴	۳۳۴	۱۳۹/۰۹۸			
	۴۸۷۶۷/۵۷۹	۳۳۶				

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۹ نتیجه آزمون معناداری تفاوت میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. طبق جدول سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ بوده که از ۰/۰۵ کمتر است، در نتیجه دلیلی بر رد فرض ادعا وجود ندارد؛ به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۱۰. پس آزمون وجود تفاوت معنادار متغیر عوامل اقتصادی بین شهرهای مورد مطالعه

آزمون	شهر محل سکونت	شهر مورد مقایسه	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری	فاصله معناداری	
						حد پایین	حد بالا
آزمون توکی	نشتیفان	سلامی	۴/۲۰	۱/۵۶	۰/۰۲۰	۰/۵۳	۷/۸۷
	نشتیفان	جنگل	-۲/۲۵	۱/۵۶	۰/۳۲۳	-۵/۹۲	۱/۴۳
	سلامی	نشتیفان	-۴/۲۰	۱/۵۶	۰/۰۲۰	-۷/۸۷	-۰/۵۳
	سلامی	جنگل	-۶/۴۴	۱/۶۱	۰/۰۰۰	-۱۰/۲۳	-۲/۶۶
	جنگل	نشتیفان	۲/۲۵	۱/۵۶	۰/۳۲۳	-۱/۴۳	۵/۹۲
	جنگل	سلامی	۶/۴۴	۱/۶۱	۰/۰۰۰	۲/۶۶	۱۰/۲۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در جدول ۱۰ پس آزمون مشاهده می‌شود، طبق آزمون توکی تفاوت معناداری بین میانگین عوامل اقتصادی در شهرهای نشتیفان و سلامی و همچنین سلامی و جنگل وجود دارد. ولی بین میانگین این عوامل در

شهرهای نشتیفان و جنگل تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۱۱. میانگین متغیر عوامل اقتصادی در شهرهای مورد مطالعه

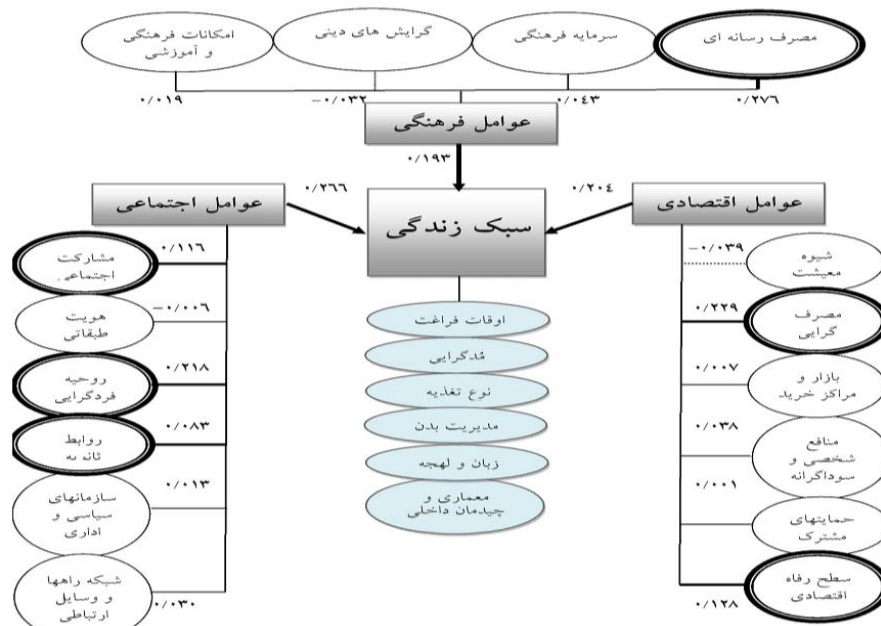
آزمون	شهر محل سکونت	تعداد	تعداد گروه‌های همگن	
			۱	۲
	سلامی	۱۰۸	۵۰/۱۳	
آزمون توکی	جنگل	۱۰۷		۵۴/۳۳
	نشتیفان	۱۲۲		۵۶/۵۸
سطح معناداری			۱	۰/۳۳۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۲. آزمون معناداری ضرایب مدل رگرسیون ۱۶ متغیر مستقل فرعی تحقیق

عوامل	مدل	ضرایب استاندارد نشده		مقدار t	سطح معناداری
		B	خطای استاندارد		
	عدد ثابت	۵/۴۴۳	۳/۳۰۱	۱/۶۹۴	۰/۱۰۰
	مشارکت اجتماعی	۰/۰۷۵	۰/۰۳۳	۲/۲۹۱	۰/۰۲۳
	سازمان‌های سیاسی و اداری	۰/۰۰۸	۰/۰۳۰	۰/۲۵۶	۰/۷۹۸
	شبکه راه‌ها و وسایل ارتباطی	۰/۰۲۲	۰/۰۳۵	۰/۶۱۷	۰/۵۳۸
اجتماعی	روحیه فردگرایی	۰/۱۷۹	۰/۰۳۸	۴/۷۰۸	۰/۰۰۰
	هویت طبقاتی	-۰/۰۰۴	۰/۰۳۰	-۰/۱۲۷	۰/۸۹۹
	روابط غیر مستقیم و ثانویه	۰/۰۵۰	۰/۰۲۹	۰/۷۳۳	۰/۰۸۴
	امکانات فرهنگی و آموزشی	۰/۰۱۴	۰/۰۳۸	۰/۳۶۴	۰/۷۱۶
	مصرف رسانه‌ای	۰/۲۳۳	۰/۰۴۳	۵/۳۸۵	۰/۰۰۰
فرهنگی	گرایش‌های دینی	-۰/۰۲۰	۰/۰۳۱	-۰/۶۶۲	۰/۵۰۸
	سرمایه فرهنگی	۰/۰۲۲	۰/۰۲۶	۰/۸۵۶	۰/۳۹۳
	تغییر شیوه معیشت	-۰/۰۲۳	۰/۰۲۷	-۰/۸۲۶	۰/۴۰۹
	مصرف‌گرایی	۰/۱۶۴	۰/۰۳۶	۴/۵۸۳	۰/۰۰۰
	ایجاد بازار و مراکز خرید	۰/۰۰۵	۰/۰۳۷	۰/۱۲۴	۰/۹۰۱
اقتصادی	تمایل به منافع شخصی و سوداگرانه	۰/۰۲۵	۰/۰۳۳	۰/۷۴۲	۰/۴۵۸
	کمرنگ شدن حمایت‌های مشترک	۰/۰۰۱	۰/۰۳۸	۰/۰۱۸	۰/۹۸۶
	سطح رفاه اقتصادی افراد	۰/۰۹۳	۰/۰۳۵	۲/۶۳۴	۰/۰۰۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق



شکل ۴- مدل تجربی تحقیق

با توجه به جدول ۱۱ می‌توان گفت که میانگین عوامل اقتصادی در شهرهای جنگل و نشتیفان همگن بوده و در یک دسته قرار می‌گیرند، همچنین میانگین این عوامل در سلامی نیز در یک دسته دیگر قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر میانگین عوامل اقتصادی بین شهرهای جنگل و نشتیفان تفاوت معناداری نداشته ولی بین شهرهای سلامی و نشتیفان - جنگل تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. در مجموع تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل اصلی و فرعی تحقیق و سنجش میزان تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته نشان می‌دهد که: الف- بین هر سه عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا مربوط به این عوامل مشخص می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است. پس از آن عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۲۰۴ و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. ب- مقایسه ضرایب استاندارد شده مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که بین متغیرهای هویت طبقاتی، گرایش‌های دینی و تغییر شیوه معیشت و سبک زندگی رابطه معکوسی برقرار می‌باشد؛ به عبارت دیگر تغییرات کاهشی این متغیرها باعث تغییرات مثبت و افزایشی وضعیت سبک زندگی افراد می‌شود. تحلیل رگرسیون ۱۶ متغیر مستقل فرعی تحقیق با استفاده از روش هم‌زمان^۱ میزان تأثیر هر یک از آن‌ها را بر متغیر وابسته سبک زندگی به شرح جدول ۱۲ نشان می‌دهد:

بر مبنای داده‌های حاصل از تحلیل رگرسیون و ضریب بتای^۱ به دست آمده از این تحلیل (جدول ۱۲) می‌توان مدل علی (تجربی) زیر را برای تحقیق حاضر ترسیم نمود:

نتیجه‌گیری

با توجه به شتاب تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و روند رو به رشد شهرنشینی در سطح جهان و اهمیت مسئله سبک زندگی در نظام سکونتگاهی شهری، این پژوهش در صدد شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر بوده است. بر اساس نظریات موجود در ادبیات جامعه-شناسی شهری و روستایی پس از تبدیل یک روستا به شهر و ورود آن منطقه به عرصه شهرنشینی پیامدها و عوارض ناشی از این تغییر و تحول خود را قالب عوامل مختلفی از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشان می‌دهند. بر همین مبنا مجموع این عوامل بر سبک زندگی ساکنان این نواحی اثرگذار بوده و بین آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. همان‌طور که نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهند، عوامل و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سیاست تبدیل شتابان روستاهای بزرگ و تأثیرگذار به شهرهای کوچک و کم تأثیر نه تنها در جهت رشد و توسعه منطقه‌ای پیش نرفته بلکه موجب بروز مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلفی در این نواحی نیز شده است. در متغیر وابسته سبک زندگی تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشده است. میانگین سبک زندگی در نشتیفان $۴۵/۶$ به نسبت میانگین کل $۴۴/۴$ مقدار بالاتری را نشان می‌دهد؛ اما در شهرهای سلامی $۴۴/۳$ و جنگل $۴۳/۲$ میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. لذا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که سبک زندگی در نشتیفان در مقایسه با سلامی و تمایل بیشتری جهت شهرنشینی نشان می‌دهد. در متغیر عوامل اجتماعی تفاوت میانگین چندانی بین شهرهای مورد مطالعه مشاهده نشد. میانگین عوامل اجتماعی در نشتیفان $۵۱/۱$ و جنگل $۵۱/۱$ به نسبت میانگین کل $۵۰/۱$ مقدار بالاتری را نشان می‌دهد؛ اما در شهر سلامی $۴۸/۱$ میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. لذا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که عوامل اجتماعی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی تأثیر بیشتری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. در متغیر عوامل فرهنگی تفاوت میانگین قابل ملاحظه‌ای بین شهرهای مورد مطالعه دیده می‌شود. میانگین عوامل فرهنگی در نشتیفان $۵۸/۸$ به نسبت میانگین کل ۵۶ مقدار بالاتری و در جنگل ۵۶ مقدار مساوی را نشان می‌دهد؛ اما در شهر سلامی $۵۲/۸$ میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود. لذا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که عوامل فرهنگی مورد بررسی در شهرهای نشتیفان و جنگل در مقایسه با سلامی تأثیر بیشتری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. در متغیر عوامل اقتصادی نیز تفاوت میانگین چشمگیری بین شهرهای مورد مطالعه دیده می‌شود. میانگین عوامل اقتصادی در نشتیفان $۵۴/۳$ و جنگل $۵۶/۶$ به نسبت میانگین کل $۵۳/۷$ مقدار بالاتری را نشان می‌دهد؛ اما در شهر سلامی $۵۰/۱$ میزان پایین‌تری نسبت به میانگین کل دیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که عوامل اقتصادی مورد بررسی در شهرهای جنگل و نشتیفان در مقایسه با سلامی تأثیر بیشتری بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. بین هر سه عامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر رابطه معناداری وجود دارد. با بررسی ضریب بتا مربوط به این عوامل مشخص

می‌شود که عوامل اجتماعی با بتای ۰/۲۶۶ بیشترین میزان تأثیر را بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر داشته است. پس از آن عوامل اقتصادی با ضریب ۰/۲۰۴ و عوامل فرهنگی با مقدار ۰/۱۹۳ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. در مجموع بیشتر تغییرات سبک زندگی در شهرهای نشتیفان و سلامی متأثر از عوامل فرهنگی و در شهر جنگل ناشی از عوامل اقتصادی بوده‌اند. با ورود تکنولوژی، تغییرات بنیادینی در زندگی، احساس، تفکر، شیوه زیست و فرهنگ انسان امروزی پدید آمده است. افزایش مصرف رسانه‌ای در قالب مطبوعات، تلویزیون، اینترنت، ماهواره، کتاب، ویدئو و غیره امروزه بخش جدایی ناپذیر از زندگی روزمره را شامل می‌شوند. فعالیت رسانه و رادیو و گسترش جاده‌ها که منجر به توسعه ارتباط با شهرها و نواحی اطراف شدند را می‌توان از نخستین تغییرات در الگو یا کسب ارتباطی روستاهای تبدیل شده به شهر دانست. رادیو و تلویزیون با تولید و پخش پیام‌های متناسب با فرهنگ شهری به اطلاع‌رسانی در خصوص سبک زندگی شهری برای روستاهای شهر شده می‌پردازند. جاده‌های آسفالت شده همراه با گسترش کاربرد اتومبیل‌های شخصی و عمومی در سطح این نواحی فرصت مراجعه بیشتر و ارتباطات رو در رو و چهره به چهره بیشتری برای ساکنان با شهرهای اطراف را فراهم ساختند. روستاهای تبدیل شده به شهر در ایران به دلیل بهره‌مندی از بخشی از دستاوردهای فناوری دنیای مدرن و به سبب برخورداری از تسهیلات ارتباطی نسبتاً مناسب، در دوره‌ای از تاریخ تحول فرهنگی - اجتماعی خود قرار گرفته‌اند که حرکتی نسبتاً گسترده از سبک زندگی سنتی به سمت سبک زندگی نوین را تجربه می‌کنند. این حرکت و تغییر را می‌توان حاصل عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانست که مهم‌ترین آن‌ها ورود امکانات مدرن و در رأس آن‌ها برخورداری از زیر ساخت‌های ارتباطی است. علاوه بر این شهرنشینی و تشکیلات اجتماعات تغییرات زیادی در نحوه غذا خوردن افراد ایجاد کرده است. امروزه گسترش سبک زندگی شهری تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر عادات غذایی افراد گذاشته است. همچنین در دوره مدرن و معاصر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش مؤثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد. این وضعیت سبب شده تا بتوان قضاوت کرد که سبک زندگی شهری در برخی جهات به این مناطق نیز رسوخ کرده است. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف، در ساختارهایی همچون همبستگی، نوآوری، فردگرایی، روحیه تعاون و به‌طور کل در سبک زندگی روستاهای تبدیل شده به شهر به وجود آمده است. این تغییرات در روستاهای شهر شده نسبت به مناطق دیگر از شتاب بیشتری برخوردار بوده است، به‌طوری‌که می‌توان از آن به‌عنوان پدیده شهری شدن سبک زندگی در روستاها نام برد.

پیشنهادها

نتایج تحقیق حاکی از این بود که شش عامل مصرف رسانه‌ای، مصرف‌گرایی، روحیه فردگرایی، مشارکت اجتماعی، سطح رفاه اقتصادی افراد و روابط غیرمستقیم و ثانویه که طبق چارچوب نظری تحقیق از جمله پیامدهای شهرنشینی نیز محسوب می‌گردند، دارای بیشترین تأثیر بر سبک زندگی ساکنان روستاهای تبدیل شده به شهر بوده‌اند. لذا بر همین اساس می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:

در خصوص سبک زندگی صحیح و منطبق با ارزش‌های فرهنگی جامعه از طریق رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون فرهنگ‌سازی شود.

از لحاظ اینکه روستاهای تبدیل شده به شهر هنوز در مرحله گذار به سمت سبک زندگی مدرن هستند، لذا معایب و آثار زیان بار این سبک زندگی در حوزه‌های فردی و اجتماعی، به نحو صحیح و اثربخش اطلاع‌رسانی گردد.

ملاک‌های تبدیل روستا به شهر مورد بازنگری جامع و اصولی قرار گرفته و با لحاظ جهات مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در این خصوص تصمیم‌گیری شود و نه صرفاً ملاک‌های جمعیتی و جغرافیایی.

افراد با مبانی سواد رسانه‌ای جهت استفاده از نقاط قوت رسانه‌ها در زندگی روزمره و دوری از نقاط ضعف و آثار زیانبار رسانه‌ها در ابعاد مختلف زندگی آشنا شوند.

استفاده از تجربیات حاصل از تبدیل صدها روستا به شهر طی چند دهه اخیر برای اصلاح نقاط ضعف این سیاست در مناطقی که در آینده به شهر تبدیل خواهند شد.

نتایج حاصل از تحقیق حاضر در امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهرهای مورد مطالعه، توسط مسئولین این شهرها به کار گرفته شود.

پیمایشی ملی و سراسری جهت ارزیابی سیاست تبدیل روستا به شهر در چند دهه اخیر در کشور و سپس اتخاذ تصمیماتی منطقی و صحیح در این مورد از سوی نهادها و سازمان‌های ذیربط انجام شود.

منابع

- زیمل، گ. و ابازی، ی. ۱۳۷۲. کلانشهر و حیات ذهنی علوم اجتماعی. فصلنامه نامه علوم اجتماعی، ۳(۴): ۵۳-۶۶.
- اسدی، ع. مهرداد، ه. ۱۳۵۶. نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعه فرهنگی. پژوهشکده علوم ارتباطی ایران، تهران.
- ایزدی خرامه، ح. ۱۳۸۰. تبدیل روستا به شهر و نقش آن در توسعه روستایی مورد مطالعه: استان فارس. رساله دکتری «جغرافیا و برنامه ریزی روستایی» دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ترابی نژاد، م. (ترجمه). ۱۳۷۴. اقتصاد و جامعه. وبر. م. انتشارات مولی. تهران، ۵۲۸ ص.
- توسلی، غ. ۱۳۸۴. جامعه شناسی شهری. انتشارات پیام نور، تهران.
- توکل، م. ۱۳۸۵. شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو. نامه علوم اجتماعی، ۲۷ ص.
- ثلاثی، م. (ترجمه). ۱۳۸۴. پیامدهای مدرنیت. آنتونی گیدنز. نشر مرکز، تهران، ۱۶۸ ص.
- سرمد، ز. بازرگان، ع. حجازی، ا. ۱۳۸۰. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه، تهران، ۴۰۶ ص.
- سیف الهی، م. شهابی، س. صالحی، ا. ۱۳۸۷. اثرات تبدیل روستا به شهر بر بخش کشاورزی مناطق روستایی: مطالعه

- موردی شهر اژیبه در پایاب زاینده رود. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱(۳): ۹۶ - ۷۷.
- رفیع پور، ف. ۱۳۸۰. کندوکاوها و پنداشته ها، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۴۴۸ ص.
- صادقی قمشلو، ف. ۱۳۹۲. ارزیابی و تحلیل پیامدهای تبدیل روستا به شهر، مطالعه موردی: شهرستان‌های جنوبی استان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد «جامعه‌شناسی» دانشگاه اصفهان. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. صبری، خ. (ترجمه). ۱۳۸۱. مصرف. باکاک، ر. انتشارات شیرازه. تهران، ۱۸۰ ص.
- صدیق سروستانی، ر. ۱۳۶۹. انسان و شهرنشینی. نامه علوم اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱(۲): ۲۲۶ - ۱۹۸.
- ضیاء توانا، م. ح. امیرانتخابی، ش. ۱۳۸۶. روند تبدیل روستا به شهر و پیامدهای آن در شهرستان تالش. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۰: ۱۲۸-۱۰۷.
- علیمردانی، م. ۱۳۸۵. سیر تحول پدیده شهرنشینی و ویژگیهای اجتماعی شهرنشینان در اندیشه ابن خلدون. فصلنامه علوم انسانی. دانشگاه الزهراء، ۱۶(۵۹): ۱۲۲ - ۹۷.
- فکوهی، ن. ۱۳۸۳. انسان شناسی شهری. نشر نی، تهران، ۶۰۸ ص.
- قنادان، م. ۱۳۷۵. جامعه شناسی مفاهیم کلیدی. نشر آوای نور. تهران، ۲۸۸ ص.
- کتابادی، م. پ. (ترجمه). ۱۳۷۳. مقدمه عبدالرحمان ابن خلدون. ج ۱ و ۲. علمی و فرهنگی. تهران، ۴۴۰ ص.
- مهدوی کنی، م. س. ۱۳۸۷. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. تحقیقات فرهنگی، ۱(۱): ۴۵ - ۲۲.
- Bourdieu, P. 1984. *Distinction: A social critique of the Judgment of taste*. Routledge, 1984.
- Chaney, D. 1996. *Lifestyle*, London, Routledge.
- Dempsey, K. 1990. *Small town: A study of social inequality, Cohesion and Belonging*. Melbourn: oxford university press.
- Omoja, L. O. 1987. *The Role of Small Towns in Rural Development in Borno State, Nigeria*, UK, London University (Ph.D.).
- Park, R. E. 1969. "The City: Suggestions for The Investigation of Human Behavior in The Urban Environment", in Richard Sennet(ed), *Classic Essays on The Culture of Cities*, New York: Meredith Corporation, 91-130.
- Pumain, D. 2006. *The Urbanization process*, in *Demography: analysis and synthesis: a treatise in population studies* /Graziella Caselli, Jacques Vallin, and Guillaume Wunsch; with contributions by Daniel Courgeau et al. London: Academic Press, 549 P.

Rezvani, M., Shakoor, A., Akbarian Ronizi, S. and R,Gh. 2009. The Role and Function of Small Towns in Rural Development Using Network Analysis Method; Case: Roniz Rural District (Estahban city, province Fars, Iran), *Journal of Geography and Regional Planning*, 2(9): 214-223.

Todaro, M. 2005. Urbanization and Rural-Urban Migration: Theory and Policy. *Ecomoc Development*.

United Nation Development Program (UNDP). 2012. Human Development Index Report (HDI), United Nation.

Wei, R. 2006. "Lifestyle and new media: Adaption use of wireless communication technologies in china", *New media society*, 6: 991-1008.

Wilson, T. 1993. "Urbanism and kinship Bonds: A test of four generalizations". *social force*, 71(3): 703-712.

A Study of the Effects of Converting Villages into Cities on the People's Lifestyle Case Study: Khaf and Roshtkhar Counties in the Khorasan Razavi Province

Ali Asghar Mohajerani¹, Mansour Haghghatian² and Mahdi Yousefnia^{3*}

Received: 12 February, 2016

Accepted: 1 October, 2016

DOI:10.22048/rdsj.2017.29628.1378

Abstract

Various socio-cultural and economic factors change the lifestyle of the people due to the changes of villages into cities. Lifestyle preferences of the people are demonstrated in leisure activities, clothing, nutrition, body management, architecture and interior design of houses. This study is aimed to examine social, cultural and economic factors that may have an impact on the lifestyle of the residents of the villages that have been converted into cities in the Khorasan Razavi Province, namely Khaf and Roshtkhar counties. According to available information between the years 2002 -2004, three suburbs called Nashtifan, Salami and Jangal were converted into cities. Theoretical research based on the theories of Ibn-Khaldun, Weber, Veblen, Simmel, Bourdieu, Giddens and Cheney have been developed. The research method was based on a survey, and a questionnaire was developed to collect data. The results show that more changes in the lifestyles of the people in the cities Salami and Nashtifan were caused by cultural factors and those in the Jangal have been caused by economic factors. Also the results show that there is a significant relationship between social participation, political and administrative organizations, ways and means of communications, individualism, identity and relationships, indirect and secondary classes as factors of social, cultural and educational facilities, wasteful consumption and cultural capital as cultural factors, consumerism, shopping, tendency towards speculative interests, fading support of joint economic prosperity as economic factors and lifestyle.

Keywords: Rural development, Small town, Social participation, wasteful consumption

1 - Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University Branch of Dehaghan, Dehaghan, Iran.

2 - Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University Branch of Dehaghan, Dehaghan, Iran.

3 - Ph.d In Economical and Development Sociology, Islamic Azad University Branch of Dehaghan, Dehaghan, Iran.

(*-Corresponding author E-mail: myousefnia2004@yahoo.com)